

تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه

احمد عابدی^۱
جعفر نکونام^۲
هادی نصیری^۳

چکیده

در این مقاله میزان اعتبار رساله ذهبیه از نظر مجلسی بر اساس آنچه که در شرح و توضیح عبارات رساله آمده است، گزارش شده است. مجلسی نسبت به اعتبار این رساله تردید داشته و این تردید را با قدری تأمل در بیان ایشان می‌توان دریافت. از این رو در این نوشتار تردیدهای ایشان برجسته شده و به اجمال درباره برخی از آنها سخن به میان آمده است. مجلسی اگرچه در ابتدا از شهرت این رساله در نزد علما سخن می‌گوید و در پایان رساله، این متن را از امام رضا می‌داند، ولی در لابه‌لای شرح و بیان خود به مخالفت محتوای رساله با اخبار رسیده در این باب و گفته‌های مشهور اطبا و شباهت‌های فراوان عبارات آن با عبارات اطبا و استناد و به‌کارگیری اصطلاحات آنها در بیان مطالب، اشاره می‌نماید. تردید در صحت رساله ذهبیه از دیگر تردیدهای آشکاری است که مجلسی درباره آن سخن گفته و در این مقاله برجسته گردیده است.

کلیدواژه‌ها: رساله ذهبیه، اعتبار ذهبیه، صحت خبر، تعارض و مخالفت با اخبار، مشابهت با اقوال اطبا.

-
- ۱- استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه قم.
 - ۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.
 - ۳- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

رساله ذهبیه یا مذهبیه نوشتاری پزشکی و منسوب به امام رضا (ع) است. آورده‌اند که این رساله به درخواست مأمون، هفتمین خلیفه عباسی، به نگارش درآمده است. به این صورت که، در یکی از نشست‌های علمی که مأمون تشکیل داده بود و عده‌ای از طبیبان و فیلسوفان آن روزگار نظیر یوحنا بن ماسویه،^۱ جبرئیل بن بختیشوع،^۲ صالح بن بهله هندی^۳ و جمعی دیگر از دانشمندان و اهل نظر حضور داشتند، سخن از طب و تندرستی به میان آمد. مأمون و حاضران غرق در این بحث شدند و از چگونگی تکوین و ساختار بدن انسان و طبایع چهارگانه متضاد در آن، سود و زیان غذا سخن‌ها رانندند. در این میان امام رضا (ع) بی آن که سخنی بر زبان آورد، ساکت نشسته بود و به سخنان آنان گوش می‌داد. مأمون از آن حضرت خواست که وارد گفتگو شود و درباره موضوع بحث سخن بگوید. امام رضا (ع)

۱- یوحنا بن ماسویه نژادش سریانی و مذهبش نصرانی بود. هارون الرشید او را مأمور کرد، کتاب‌های کهن پزشکی را که در شهرهای انقره، عموریه و دیگر بلاد روم وجود داشت و بر اثر استیلای مسلمانان بر آنها به دست آمده بود، به عربی ترجمه کند. به همین منظور منصب امین دارالترجمه را به او واگذار نمود و نویسندگان زبردستی را در خدمت او گماشت. یوحنا در دوران خلافت هارون الرشید و پس از مرگ او در زمان امین و تا روزگار خلافت متوکل عباسی همچنان در این منصب باقی بود. حنین بن اسحاق شاگرد او بود. فوت او در سامرا سال ۲۴۳ هـ اتفاق افتاده است. او که از دقائق و اسرار علم طب آگاه بود و در یک دوره طولانی تجربیاتی اندوخته بود، آگاهی‌های خود را مکتوب نمود تا مورد استفاده همگان قرار گیرد. از جمله آثار او می‌توان به کتاب الادویه، کتاب الاغذیه و کتاب الفصد و الحجامه اشاره نمود. (بروکلان، ۳ و ۴/۲۶۴)

۲- جبرئیل بن بختیشوع سومین پزشک نامدار دودمان عباسی است. جعفر برمکی وی را بعد از درگذشت پدرش بختیشوع به نزد خلیفه هارون برد و از آن پس پزشک خاص خلیفه هارون الرشید گردید. در این ایام جبرئیل در بغداد حشمت و جاه و جلال عظیم یافت و در دربار هارون تقرب و مقام ارجمند یافت و خلیفه او را رئیس پزشکان بغداد نمود و او در این سمت در زمان امین و مأمون باقی بود تا این که در خلافت مأمون در سال ۲۱۳ هـ بدرود زندگانی گفت و از جمله تألیفات طبی او کتاب «الروضة الطیبه» است. این کتاب را پل اسباط در سال ۱۹۲۷ م. به چاپ رسانیده است. (سلیمان بن حسان اندلسی ابن جلیجل، ۱۳۷-۱۳۸)

۳- صالح بن بهله هندی از پزشکان برجسته و آگاه به شیوه‌های طب هندی است. گویند: وسعت آگاهی او از طب هندی به اندازه‌ای بود که جبرئیل بن بختیشوع از طب یونانی می‌دانست. در ایام خلافت هارون الرشید در بغداد به سر می‌برده است. ابن ابی اصیبه در عیون الأنباء، حکایت عجیب و شنیدنی را از او درباره درمان ابراهیم بن صالح، پسرعموی هارون الرشید پس از غسل و کفنتش آورده است. (ابن ابی اصیبه، ۴۳۷-۴۳۹)

تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه / ۱۲۷

فرمود: من در این باره تجربیاتی دارم که درستی آن را با آزمایش، گذشت زمان و بهره‌مندی از گفته‌های گذشتگان دریافته‌ام و عذری برای ندانستن و وانهادن این تجربیات وجود ندارد. از همین رو، آن را همراه برخی دیگر از نکته‌های مربوط به آن در یک جا جمع خواهم کرد.

آورده‌اند: آن روز مأمون عازم بلخ بود و شتابان بدان دیار رفت و امام(ع) در آنجا (نیشابور و یا مرو) ماند. آن‌گاه مأمون از بلخ نامه‌ای به حضرت نوشت و از ایشان خواست که به وعده‌اش عمل کند. امام(ع) پس از دریافت نامه، رساله‌ای را در این باره نگاشت که متن کامل آن در جلد ۵۹ بحار الانوار همراه شرح و توضیح علامه مجلسی آمده است. انتساب این رساله به آن حضرت در میان برخی از علمای معاصر شیعه چنان شهرتی دارد که برخی، شهرت آن را بدون توجه به جنبه‌های سندی و متنی، دلیل بر درستی این انتساب پنداشته و به ترجمه و شرح آن پرداخته‌اند.

۲- راهیابی رساله به جوامع حدیثی شیعه

علامه مجلسی این رساله را از اوایل قرن دوازدهم هجری قمری در دوره صفویه به طور رسمی وارد به جوامع روایی شیعه کرد و اندکی پس از آن مورد توجه عده‌ای از علما و طبیبان آن روزگار قرار گرفت و ترجمه و شرح آن آغاز گردید؛ به طوری که ده‌ها شرح و ترجمه از آن به چندین زبان نوشته شد و این روند با اندکی افت و خیز همچنان ادامه یافته است.

قبل از علامه مجلسی نسخه‌های مختلفی از این اثر با تفاوت‌های متنی بسیار فراوان در دست افراد وجود داشت که وی در کتاب بحار الانوار بدان اشاره کرده است.

علامه مجلسی از میان نسخه‌های گوناگون موجود آن روزگار که تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر داشتند، نسخه دست نوشته نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی معروف به محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) را معتبر انگاشت و آن را به طور کامل در بحار الانوار آورد.

علامه مجلسی دو سند برای این رساله به نحو وجاده ذکر می‌کند و بدون اظهار نظر درباره اعتبار آن دو سند، آن را پذیرفته و به نقل آن مبادرت ورزیده است. آن گاه مجلسی پس از ذکر طریق شیخ طوسی، نجاشی، ابن شهر آشوب و منتجب الدین به این رساله، چنین نتیجه می‌گیرد که این رساله، از رساله‌های مشهور در میان علمای ما به شمار رفته است و آنان نیز سندها و طریق‌های گوناگونی به این رساله داشته‌اند.^۱

در این نوشتار نویسنده بر آن است که تردیدهای ناپیدای مجلسی را درباره اعتبار ذهبیه که در لابه‌لای شرح و بیان عبارات رساله می‌توان دریافت، هویدا سازد و به بررسی آن پردازد. با آن که مجلسی تلاش می‌کند، ابتدا شهرتی از این رساله در میان علما به دست دهد، اما به نظر می‌رسد ناخواسته از همان آغاز، رگه‌هایی از تردید در لابه‌لای سخنانش ظاهر می‌شود.^۲ در این مقاله به ترتیب عبارات رساله ذهبیه هر جا را که در شرح و بیان ایشان تردیدی آشکار و نهان وجود دارد، مطرح می‌کنیم و به اجمال درباره آن سخن می‌گوییم.

۳- قرائن تردید در کلام علامه مجلسی

مهم‌ترین قرائنی که از تردید علامه مجلسی در صحت انتساب رساله ذهبیه به امام رضا(ع) حکایت می‌کند، به قراری است که در پی می‌آید.

۳-۱- قرینه نخست

درباره کیفیت غذا خوردن در رساله ذهبیه این گونه آمده است: «یا امیرالمؤمنین... إبدأ فی أول الطعام بأخف الأغذية التي یغتذی بها بدنک بقدر عادتک و بحسب طاقتک و نشاطک (مجلسی، ۳۱۱/۵۹)؛ ای امیرمؤمنان... به اندازه توان و فعالیت و عادتت با غذای سبک آغاز کن و پس از آن، غذای غلیظ را بخور».

۱- «فظهر أن الرساله كانت من المشهورات بین علمائنا و لهم إليها طرق و أسانید». (مجلسی، ۳۰۹/۵۹)

۲- «... لکن کان فی نسختها التی وصلت إلینا اختلاف فاحش أشرنا إلی بعضها». (همان، ۳۰۹)

مجلسی می‌نویسد: «این عبارت به ترتیب بین غذاها اشاره دارد. هرگاه انسان بخواهد در یک وعده غذایی، غذای لطیف و غلیظ را باهم بخورد، از کدام یک باید آغاز کند تا به سلامتی بدن آسیبی نرسد و موافق با طبیعت آدمی باشد و سلامتی را حفظ کند؟ حضرت حکم کرده است که با غذای لطیف و سبک‌تر شروع کن؛ چون اگر به عکس باشد، غذای لطیف به سرعت در معده هضم می‌شود؛ در حالیکه هنوز هضم غذای غلیظ پایان نیافته است و در قسمت انتهایی معده نزدیک مدخل روده اثناعشر، مانع از ورود غذای لطیف هضم شده به روده‌ها می‌شود و در نتیجه غذای لطیف هضم می‌شود و در معده فاسد می‌گردد و با بخشی از غذای غلیظ می‌آمیزد و آن را نیز فاسد می‌گرداند و سرانجام «تخمه»^۱ را به دنبال خواهد داشت.»

او می‌افزاید: «برخی از اطباء قدیم به طور کلی آغاز با غذای لطیف را منع کرده و این گونه دلیل آورده‌اند که هرگاه غذای لطیف وارد معده شود و هضم آغاز گردد، باعث می‌شود غذای لطیف گوارش یافته با بخشی از غذای غلیظ هضم نشده وارد روده‌ها شود و گرفتگی‌هایی در روده به وجود آورد.»

نیز ادامه می‌دهد: «در این باره در میان اطبا سه نظر وجود دارد: ۱. برخی همانند ذهبیه آغاز با غذای لطیف را سفارش کرده‌اند؛ ۲. برخی دیگر به طور کلی آغاز کردن با غذای لطیف را منع کرده‌اند؛ ۳. و دسته سوم به طور کلی از خوردن غذای لطیف و غلیظ با هم در یک وعده غذایی نهی کرده‌اند.» (مجلسی، ۳۳۴/۵۹)

در پایان، مجلسی برای تعارضی که بین روایت ذهبیه و نظر دوم و سوم اطبا به وجود آمده است، تبعیت و پیروی از روایت ذهبیه را با بیان این عبارت: «و ما وُرد فی الخبر علی تقدیر صحته هو المتبع» (همانجا، ۳۳۴/۵۹) می‌پذیرد. به خوبی آشکار است که وی تقدیم خبر بر سخن طبیبان را مشروط به صحت خبر دانسته و در غیر این صورت، به نظر می‌رسد قول دوم و یا سوم اطبا را بر رساله ذهبیه ترجیح داده است.

۱- تخمه بروزن حطمه، به فاسد شدن غذا در معده و تبدیل شدن آن به وضعیتی غیرمناسب با بدن گفته می‌شود. (هروی، ۹۲)

بنابراین از عبارت پایانی، بر می آید که اعتبار این خبر (رساله ذهبیه) نزد علامه مجلسی قطعی و مسلم نبوده و نگاه تردید آمیز به اعتبار رساله داشته است.

۳-۲- قرینه دوم

در ادامه بحث، به این بحث می رسد، که در شبانه روز چند وعده غذایی و در چه ساعاتی است. رساله ذهبیه دو طریق را پیشنهاد می کند که حاصل آن به قرار ذیل است:

۱. طریق اول: « أن يأكل في كلّ واحدة عند مضيّ ثمان ساعات من النهار؛ هر روز پس از گذشت هشت ساعت از روز یک وعده غذا میل کند».
۲. طریق دوم: « أن يأكل في كل يومين ثلاث أكالات؛ همانجا، ۳۳۴) هر دو روز سه وعده غذایی میل کند».

آنگاه مجلسی می افزاید که عادت کردن به این دو شیوه، به ویژه شیوه اول، به روزه گرفتن و خوابیدن کمک می کند و موافق با آن دواست، اما بی درنگ می نویسد: ولی این دو شیوه با روایاتی که در فضیلت ناهار و شام خوردن و فضیلت غذا خوردن در آغاز روز و سحری خوردن رسیده است، مخالفت دارد.^۱ پس از ذکر این مطلب، درصدد توجیه و رفع تعارض عبارت رساله ذهبیه با اخبار مربوط به آن بر می آید و برای حل این مخالفت چند توجیه ذکر می کند: «۱. می توان عبارت رساله ذهبیه را قضیه شخصی به حساب آورد، به این معنا که امام (ع) این دستور غذایی را با توجه به حال مخاطب (مأمون) پیشنهاد کرده است. ۲. این دستور ویژه کسانی باشد که معده ضعیفی دارند و توانایی گوارش دو وعده غذا در یک روز را ندارند.... به تجربه ثابت شده است که این دستور بهترین تدبیر برای کسانی است که از چنین مشکلی رنج می برند. ۳. منظور از غذا، غذای غلیظ و متعارفی است که هر کسی به اندازه میل و اشتهای خود تناول می کند و این منافاتی با خوردن غذای

۱- «لکنهما مخالفان لما ورد من الأخبار فی فضل التغدّي و التعشّي، و فضل مبارکة الغذاء و فضل السحور فی الصوم و غیر ذلک من الأخبار». (همانجا، ۳۳۴)

تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه // ۱۳۱

سبک در صبح زود ندارد که در طول هشت ساعت هضم و مانع از ریختن صفا به معده شود و پس از گذشت هشت ساعت از روز غذای کامل را مصرف کند. ۴. ممکن است این مطلب به همان نکته‌ای اشاره داشته باشد که حضرت امام رضا(ع) در آغاز همین بحث فرمودند که: «یا امیرالمؤمنین ... إبدأ فی أول الطعام بأخف الأغذیة التي یغتذی بها بدنک بقدر عادتک و بحسب طاقتک و نشاطک». در این صورت، هم خوردن غذا صبح هنگام صورت گرفته و هم شام خوردن و دیگر اشکالی باقی نمی‌ماند». (همو، ۳۳۴/۵۹)

پرواضح است که این توجیهاات یارای حل و از بین بردن این تعارض آشکار را ندارند.

۳-۳- قرینه سوم

حالات گوناگون عمر آدمی در رساله ذهبیه به چهار مرحله تقسیم و برای هر مرحله، خصوصیات و مشخصاتی ذکر شده است. (نک: مجلسی، ۳۱۷/۵۹)

علامه مجلسی که به خوبی بر آثار و منابع اصیل طبی اشراف داشته است و این نکته را از سخنان عالمانه‌اش در ذیل برخی روایات طبی می‌توان فهمید. او بین چهار مرحله ذکر شده در رساله و سخنان اطبا در کتاب‌هایشان تفاوت می‌بیند و تنها به نقل گفته اطبا در این باره اکتفا می‌کند و تلویحاً ناخشنودی خود را از مخالفت رساله ذهبیه با آنچه بین اطبا مشهور است، اعلام می‌کند، بی آن که به چرایی این تفاوت بپردازد و کریمانه از کنار آن می‌گذرد. (نک: همانجا، ۳۴۲/۵۹)

۳-۴- قرینه چهارم

علامه مجلسی در بحث حجامت، بدون اشاره به تعارض آشکار بین زمان حجامت در ذهبیه با دیگر روایات، بر اساس شواهدی از روایات و برخی نکته‌های طبی، فقط به پیامدهای منفی حجامت می‌پردازد و منافع و ضررهای آن را گوشزد می‌کند. (نک: همانجا، ۳۴۳-۳۴۲/۵۹)

مجلسی به خوبی می‌دانسته است که زمان‌های پیشنهادی در ایام ماه قمری که در رساله ذهبیه آمده،^۱ متفاوت با ایامی است که در دیگر روایات از آن سخن رفته است؛^۲ ولی گویا اگر وارد این اختلاف شود، خروج از آن به سادگی میسر نمی‌شود، مگر آن که اعتبار ذهبیه را هدف‌گیرد. از این رو ترجیح می‌دهد، به شرح اکتفا کند و از کنار اختلافات بگذرد.

۳-۵- قرینه پنجم

در بحث حجامت برای کاهش درد حجامت، پیشنهاد شده است که وقتی بادکش (محجمه) روی محل حجامت قرار داده می‌شود، عمل مکش به تدریج صورت گیرد تا از درد جلوگیری کند؛ به عبارت دیگر، فرایند مکش از کم شروع شود و در دفعات بعدی به تدریج زیاد گردد تا شخصی که حجامت می‌شود، کمتر احساس درد کند. (نک: همانجا، ۳۴۴/۵۹) مجلسی می‌گوید: «آنچه در این خصوص در رساله ذهبیه آمده است، شبیه مطالبی است که اطبا ذکر کرده‌اند» (همانجا) و آن گاه عباراتی را از قانون بوعلی سینا نقل می‌کند.

به نظر می‌رسد اشاره مجلسی به شباهت محتوایی بین ذهبیه و متون اطبا، تردید پنهانی را به همراه دارد که علامه آن را این بار در قالب شباهت‌های این دو متن بیان می‌کند. شایان ذکر است که تمام مطالب رساله ذهبیه به عبارات اطبا شباهت دارد و این

۱- فإذا أردت الحجامة فليكن في اثني عشرة ليلة من الهلال إلى خمس عشرة، فإنه أصح لبدنك (همان، ص ۳۱۸).

۲- میرزاهادی شیرازی، شارح رساله ذهبیه در عافیة البریه، ص ۲۰۹، روایتی در این باره از رساله «تبعیة الأيام فی معرفة الساعات و الأيام» ملامحسن فیض کاشانی نقل می‌کند: «و عن النبي قال لعلی: إیتاک و الحجامة فی أول الشهر إلى يوم النصف، ففي كل يوم داء و علة؛ عليك بالحجامة من يوم سبعة عشر إلى الهلال، ففي كل يوم شفاء و بركة غیر حجامة الأربعاء و السبت، فمنهما البرص و الجذام...» در این روایت پیامبر(ص) امیرالمؤمنین(ع) را از حجامت تا نیمه ماه نهی می‌کند و از هفدهم ماه به بعد را سفارش می‌کند.

مطلب به خوبی برای ایشان عیان و آشکار بوده است. برخی عبارات ذهبیه دارای ادبیاتی صد در صد منطبق با عبارات اطباست که از جمله در بحث حجامت، احتمال اقتباس آن از آثار اطبا می‌رود و به گمان من این نکته از خاطر علامه مجلسی دور نبوده است که در ادامه، این اقتباس‌ها را خواهیم آورد و درباره شواهد و مدارک متقن آن و کیفیت اقتباس و چرایی آن به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۶۳- قرینه ششم

در رساله ذهبیه آمده است که: «دوازده ساعت قبل از حجامت و فصد از مجامعت با زنان پرهیز شود». (همانجا، ۳۱۹/۵۹) علامه مجلسی در توضیح این مطلب می‌نویسد: «اطبا گفته اند: بعد از حجامت و فصد هم باید اجتناب کرد و اگر دلیل اجتناب کردن، ضرر این کار است، مجامعت بعد از آن، زیان‌بارتر است» (همانجا، ۳۴۵) گویا علامه از نهی نکردن جماع بعد از فصد و حجامت در ذهبیه تعجب کرده است؛ چون این نکته در میان اطبا چنان اهمیتی دارد که غالباً متذکر آن می‌شوند و در اغلب موارد ضرر آن بعد از حجامت و فصد، شدیدتر خواهد بود.

در اینجا مجلسی تلاش می‌کند ذکر نکردن این مطلب مهم را نیز توجیه کند. ایشان می‌نویسد: «اشاره نکردن به این مطلب می‌تواند دو جهت داشته باشد: ۱. به دلیل آنکه ضرر جماع بعد از فصد و حجامت بر همگان آشکار است، دیگر نیازی به ذکر آن نبوده است که حضرت متذکر آن شود. ۲. احتمال دیگر آنکه چون غالباً بعد از فصد و حجامت ضعف و ناتوانی انسان را فرا می‌گیرد و معمولاً توانی برای این کار باقی نمی‌ماند. به همین جهت آن حضرت متذکر زبان آن نشده‌اند». (همانجا)

توضیح این نکته خالی از لطف نیست که اتفاقاً در برخی مزاج‌ها پس از حجامت میل شدیدی به این عمل پدید می‌آید؛ طوری که خویشتن داری در برابر آن برای برخی دشوار است و به همین جهت است که معمولاً این نکته را تذکر می‌دهند.

شارح رساله ذهبیه در بخشی دیگر از عبارات رساله با واژه‌ای مواجه می‌شود که در نسخه‌های دیگر آن به گونه‌ای دیگر ضبط شده است.^۱ وی پس از ذکر نسخه بدل آن واژه می‌نویسد: «محتوای هر دو نسخه - چه اجتناب از خوردن چیزهای شیرین در زمستان و چه تراشیدن سر در این فصل را بپذیریم - هر دو ضبط آن مخالف با گفته طبیبان است» و آن گاه می‌افزاید: «به دلیل همین مخالفت است که برخی شارحان رساله ذهبیه، تراشیدن سر در فصل زمستان را حمل بر مکان‌هایی کرده‌اند که سردی هوا در سر اثر زیان بار می‌گذارد و باعث ابتلا به زکام می‌گردد». (همانجا، ۳۳۷) البته مجلسی این توجیه را هم ناصواب می‌شمارد و می‌نویسد: «مبتلایان به بیماری زکام تجربه کرده‌اند که تراشیدن تمام سر و یا وسط سر در فصل زمستان به دلیل نریختن مواد زائد سر بر چشم و دندان‌ها و سینه، به حال آنان سودمند است». (همانجا)

بنابراین توجیه این اشخاص را نمی‌پذیرد و هر دو ضبط عبارت ذهبیه را مخالف با آنچه در میان اطبا پذیرفته شده، می‌داند، اما دیگر درباره چرایی این مخالفت سخنی نمی‌گوید و از آن می‌گذرد.

۳-۸- قرینه هشتم

در ادامه بحث به خواب و کیفیت آن می‌پردازد و می‌نویسد: «دستوری که در رساله ذهبیه آمده است،^۲ با گفته طبیبان موافق است و آنان نتیجه این گونه خوابیدن را جاری شدن کیلوس به کبد بیان کرده‌اند». سپس مجلسی می‌افزاید: «این تفصیل و توضیح مخالف با ظاهر بسیاری

۱- «و یحذر فيه الحلق» و فی بعض النسخ "الحلو" و هو مخالف لقول الأطباء، بل الأول أيضاً و لذا حمله بعض الأطباء ... «همانجا، ۳۳۷»

۲- فإذا أردت النوم فليكن اضطجاعك أولاً على شقك الأيمن، ثم انقلب على الأيسر، و كذلك فقم من مضجعك على شقك الأيمن كما بدأت به عند نومك. (همان، ۳۱۶)

تردیده‌های آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه // ۱۳۵

از روایاتی است که خوابیدن به پهلو راست را به طور مطلق برتر شمرده‌اند». مجلسی که در اینجا علتی را برای این بخش از ذهبیه نمی‌یابد تا از مخالفت آشکار آن با ظاهر بسیاری از اخبار در این زمینه رهایی پیدا کند، ترجیح می‌دهد آن را با عبارتی فیصله دهد که کاملاً حکایت از تردید درونی ایشان درباره اعتبار ذهبیه نیز دارد. می‌فرماید: «لو كان هذا الخبر معادلاً في السند لها لأمكن حملها عليه؛ (همانجا، ۳۳۹) اگر این خبر (منظور رساله ذهبیه است که در مجموع یک خبر به حساب می‌آید) به لحاظ اعتبار سندی، عدل و هموزن با اخبار فراوان در این زمینه باشد، این احتمال وجود دارد که آن روایات را حمل بر ذهبیه کنیم». آن گاه وعده می‌دهد به زودی در این باره اندکی دیگر سخن خواهیم گفت که این وعده عملی نمی‌شود و دیگر از آن سخن نمی‌گوید. این عبارت به طور صریح اعتبار ذهبیه را نشانه رفته است و حکایت از آن دارد که اعتبار آن نزد ایشان متزلزل است.

۳-۹- قرینه نهم

یکی دیگر از مواردی که نظر علامه مجلسی بدان جلب شده و درصدد توجیه آن بر آمده، این قسمت رساله ذهبیه است که به حجامت شونده توصیه می‌کند، در فصل زمستان بعد از حجامت، به اندازه یک نخود «تریاق اکبر» بخورد. (همانجا، ۳۳۹)

در خور ذکر است که نام دیگر «تریاق اکبر»، تریاق فاروق است و از معجون‌ها و ترکیب‌های بسیار عجیب و سودمند اطبا یونان است که اندروماخس آن را ابداع کرده و در آن اجزای حرامی نظیر خمر، گوشت مار افعی، جُند بیدستر و... به کار رفته است و از عناصر اصلی تشکیل دهنده این معجون به شمار می‌روند.^۱

سخن بر سر این است که آیا امام رضا(ع)، معجونی با اجزای حرام را سفارش می‌کند؟ آن هم بعد از حجامت که هیچ ضرورت و اضطراری در کار نیست؛ چون حجامت امری

۱- رازی، المنصوری فی الطب، ۳۴۳-۳۴۶؛ کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۲۱/۴-۲۰؛ قاینی، تحفة الصالحین، ۳۳.

متعارف و رایج بوده و مردم آن روزگار، آن را به عنوان روش طبی پیشگیرانه به کار می‌بسته‌اند. البته توصیه به خوردن قدری تریاق فاروق اکبر در میان اطبای یونان و غیر یونان امری عادی است؛ بدون آن که توجهی به حرمت و یا عدم آن در حال اضطرار و یا غیر آن داشته باشند؛ همان‌سان که در موارد زیادی بی‌پروا استعمال خمر را پیشنهاد و سفارش می‌کنند.

مجلسی که محملی شرعی برای این دستور آن هم از ناحیه معصوم (ع) نمی‌یابد، ترجیح می‌دهد به گونه‌ای صورت مسئله را تغییر دهد تا از این تنگنا رهایی یابد. ایشان می‌نویسد: «پس چاره‌ای جز حمل آن بر تریاق فاروقی نداریم، تا مشتمل بر اجزای حرامی نظیر خمر، گوشت مار افعی، چندبیدستر و نظایر آن نباشد». (همانجا، ۳۲۰)

بوعلی سینا در کتاب قانون در ذیل تریاق فاروق نکته لطیفی را بیان می‌کند که مناسب این مقام است. ایشان می‌نویسد: «اطبای بسیاری از جمله جالینوس و دیگران تلاش کرده‌اند، در اجزای تریاق فاروق چیزی را کم یا زیاد کنند و ترکیب جدیدی را به نام خود به ثبت برسانند تا در متون پزشکی نامشان جاودانه شود؛ اما هر چه کوشیدند نتوانستند نه چیزی بدان بیفزایند و نه چیزی از آن بکاهند؛ زیرا اثر جادویی و معجزه آسای آن فقط در همان ترکیب اولیه آن وجود دارد». (همانجا، ۲۲۶۹/۳)

البته مراد ما از نقل این سخن متهم ساختن علامه مجلسی به تغییر این ترکیب به خاطر غرضی که ذکر شد نیست؛ بلکه منظور آن است که وقتی تریاق فاروق گفته می‌شود، انصراف به همان تریاق فاروق مشهور با اجزای مشخص و معلوم آن دارد و اگر متکلم غیر از آن را اراده کند، باید مراد خود را بیان نماید.

۳-۱- قرینه دهم

در ذهبیه آمده است: «بعد از آن که خون حجامت را شستی، لباس نرمی از جنس ابریشم یا غیر آن را بر روی محل حجامت شده بگذار». (مجلسی، ۳۲۰/۵۹)

تردیدهای آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه // ۱۳۷

مجلسی در اینجا درباره حکم فقهی پوشیدن پارچه ابریشم بحث می‌کند و می‌نویسد: «این دستور با حکم عدم جواز پوشیدن ابریشم مخالف است و از این عبارت می‌توان دو مطلب استنباط کرد: ۱. یا حکم "قز" در جایز نبودن پوشیدن آن مخالف با حکم ابریشم است. ۲. یا استعمال چیزی از حریر که با آن نماز خوانده نمی‌شود، برای مردان جایز است.» در نهایت می‌فرماید: «ممکن است این عبارت را حمل بر آن موردی کنیم که قز خالص نباشد.» (همانجا، ۳۴۶)

۳-۱۱- قرینه یازدهم

در بحث حجامت، از فواید حجامت در مواضع پیشنهادی بدن بدون آن که به ضررهای، احتمالی آن اشاره شود، سخن به میان آمده است. (همانجا، ۳۱۸-۳۱۹) از این رو، علامه مجلسی به دلیل آگاهی از دانش طب و ضررهای حجامت در برخی مواضع بدن، با عبارت عجیبی از ضرر حجامت در ناحیه نُقره^۱ سخن می‌گوید و با استناد به سخن پیامبر اکرم (ص) می‌نویسد: «لکنَّ الحِجَامَةَ عَلٰی النُّقْرَةِ تُوْرَثُ النِّسْبَانَ حَقًّا كَمَا قَالَ سَيِّدُنَا وَ مَوْلَانَا صَاحِبُ شَرِيْعَتِنَا مُحَمَّدٌ (ص)؛ فَإِنَّ مَوْخِرَ الدِّمَاغِ مَوْضِعَ الْحِفْظِ وَ تَضَعْفُهُ الْحِجَامَةُ.» (مجلسی، ۳۴۳/۵۹)

به نظر می‌رسد، ایشان با این عبارت که تأکید فراوانی را به همراه دارد، می‌خواهد اعتراض خود را به عبارت ذهبیه آشکار کند که چرا از این ضرر و آسیب بسیار مهم سخن نگفته است؛ در حالی که به صراحت، پیامدهای آن در کلام پیامبر اکرم و دیگر پزشکان آمده و عواقب ناگوار آن به تجربه نیز ثابت گشته است. ایشان در ادامه سخن، ضروری می‌داند که به ضررهای حجامت در مواضع دیگر بدن که در ذهبیه از آن سخن نرفته است، بپردازد و ضررها و پیامدهای نامطلوب حجامت در دیگر مواضع بدن را بیان کند.

۱- النُّقْرَةُ: گودی پشت گردن در انتهای سر را گویند. (ارزانی، میزان الطب، ۲۵۵)

در رساله ذهبیه برای از بین بردن عوارض و آثار سوء احتمالی آب آشامیدنی مسافر در سفر، دو راهکار ارائه شده است: «۱. مسافر به هر منزلی که می‌رسد، از آب آن منطقه نیشامد، مگر آن که آن را با مقداری آب که از منزل قبلی تهیه کرده، مخلوط کند. ۲. مسافر باید مقداری از خاک شهر خودش را همراه ببرد و آن را با قدری آب دریک ظرف مخلوط کند، پس از آن که خاک ته نشین گردید و آب صاف شد، آن را بنوشد». (همانجا، ۳۲۶)

علامه مجلسی در ذیل این بحث، پس از ذکر اختلاف نسخه‌های ذهبیه می‌گوید: «این دو مطلب را زکریای رازی و اطبای دیگر نیز ذکر کرده‌اند». (همانجا، ۳۵۲؛ رازی، ۲۹۳؛ خجندی، ۱۷۷) ایشان بدون آنکه به شباهت‌های بسیار زیاد ذهبیه با دیگر رساله‌های طبیبی در این بخش و بخش‌های دیگر ذهبیه اشاره کند و درصدد چرایی این شباهت‌ها برآید، به همین مقدار اکتفا می‌کند و از کنار آن به سادگی می‌گذرد.

در اینجا عبارت ذهبیه و عبارت یکی از تألیفاتی را که تألیف آن مقارن با تألیف ذهبیه بوده، بدون هیچ‌گونه داوری می‌آوریم و تحلیل آن را به عهده خوانندگان محترم می‌گذاریم.

ذهبیه: «فأما صلاح المسافر و دفع الأذى عنه فهو أن لا يشرب من ماء كل منزل يردّه، إلا بعد أن يمزجه بماء المنزل الذي قبله... و الواجب أن يتزوّد المسافر من تربة بلدة و طينته التي ربّی عليها، و كلّما ورد إلى منزل طرح في إنائه الذي يشرب منه الماء شيئاً من الطين الذي تزوّده من بلدة، و يشوب الماء و الطين في الآنية بالتحريك، و يؤخر قبل شربه حتى يصفو صفاءً جيّداً». (مجلسی، ۳۲۶/۵۹)

الذخيرة في الطب: «يجب على من أراد سفرًا طويلاً... أن يحمل من ماء بلدة و يمزجه بالذی يرد عليه أولاً، و يحمل من ذلك الماء من المنزل و يخلطه بالماء الذي في المنزل الثاني، و على هذا المثال إلى أن يبلغ الموضع الذي يقصده... و ينفع من ذلك أيضاً أن يتزوّد من طين بلدة من الحرّ الجيّد من موضع الماء الذي ألف شربه فيلقى منه قطعة في أيّ ماء يرد عليه و يترکه حتى يسکن و يصفو، ثم يشربه». (تأبت بن قرة، ۲۸۴)

شارح ذهبیه در بحث میاه (آبها) بخشی از عبارات ذهبیه در این باره مخالف با مطلبی می‌شمارد که در میان اکثر اطبا شهرت دارد و آن این عبارت است: «أفضل المياہ ما کان مخرجها من مشرق الشمس؛ بهترین آب، آبی است که سرچشمه آن در ناحیه مشرق باشد». (همانجا، ۳۲۶/۵۹) ایشان می‌افزاید: «اما جریان آب بر روی خاک که در ذهبیه آمده، مطابق و موافق با اقوال اطباست». آن گاه پس از ذکر مخالفت و موافقت عبارات ذهبیه با نظر مشهور اکثر اطبا در این باره، به طور مفصل از قانون بوعلی سینا مطالبی را نقل و به همین مقدار بسنده نموده و درباره این مخالفت، سخنی نگفته است.

چنانچه علامه مجلسی در همین بحث به آثار اطبای قدیم که قطعاً در دسترس ایشان بوده و در موارد مختلف بدان استناد کرده، نظری دوباره می‌افکند، مشابهت عینی عبارات ذهبیه با عبارات اطبا را مشاهده می‌کرد و راه حل درخوری را برای آن ارائه می‌داد. در اینجا نیز نمونه‌ای دیگر از مشابهت عبارات ذهبیه با بخشی از عبارات بقراط را می‌آوریم، تا صریح‌تر به تردیدهای پیدا و ناپیدای علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه اشاره شود.

ذهبیه: «و خیر المياہ شرباً لمن هو مقيمٌ أو مسافرٌ ما کان ینبوعه من الجهة المشرقیة من الخفیف الأبیض، و أفضل المياہ ما کان مخرجها من مشرق الشمس الصیفی، و أصحابها و أفضلها ما کان بهذا الوصف الذی نبع منه و کان مجراه فی جبال الطین، و ذلک أنّها تكون فی الشتاء باردة و فی الصيف ملینة للبطن نافعة لأصحاب الحرارة و أما الماء المالح و المياہ الثقيلة فإنها ینیس البطن. و مياہ الثلوج و الجلید ردیة لسائر الأجساد و کثیرة الضرر جداً و أما مياہ السحب فإنها خفیفة عذبة صافیة للأجسام إذا لم یطل خزنها و حبسها فی الأرض. و أما مياہ الجبّ فإنها عذبة صافیة نافعة إن دام جریها و لم یدم حبسها فی الأرض و أما البطائح و السباخ فإنها حارة غلیظة فی الصيف؛ لركودها و دوام طلوع الشمس علیها. و قد يتولد من دوام شربها المرّة الصفراویة و تعظم به أطلحتهم». (مجلسی،

بقراط: «قال الحكيم [أبقراط]: إن خير المياه ما نبع و جرى من ناحية المشرق و يكون مثل ذلك من المياه الفاضلة أبيض برآقاً و خفيفاً، ليس بمتغير الرياح جداً يسخن سريعاً و يبرد سريعاً، و يستدلّ بسرعة على استحالته على لطافته و خفته. و أما البطيئ الإستحالة فإنه يدل على غلظه، و بعده المياه التي تجرى بين مشرق الشمس الصيفي و من مغرب الشمس الصيفي، و المياه التي تجرى من جبال الطين أفضل المياه و أصحها؛ لأنها تكون حارة في الشتاء باردة في الصيف، مليئة للبطن، نافعة لأصحاب الحرارة. فأما المياه الثقيلة فإنها تبيس البطن، و مياه الثلوج و الجليد رديّة جداً...، و مياه الأمطار خفيفة و رطبة صافية جداً، فأما مياه البطائح و السباخ فحارة غليظة في الصيف؛ لركودها و دوام طلوع الشمس عليها، فهي تولد فيمن شربها المرّة الصفراء و تعظم لذلك أطلتهم.» (طبري، ۳۵۱)

۱۴-۳- قرينه چهاردهم

علامه مجلسی در بحث آداب جماع پس از توضیح برخی عبارات رساله ذهبیه می‌گوید: «کلّ ذلك ذكرها الأطباء في كتبهم». (همانجا، ۳۵۵) همان گونه که پیش‌تر گفته شد، به دلیل آگاهی که علامه مجلسی از کتاب‌های طبی و بیان وافی وی در شرح برخی از مباحث این رساله و روایات طبی آن، به نظر می‌رسد بارها محتوای این رساله و حتی برخی عبارات آن را عیناً در کتاب‌های طبی متقدمان مشاهده کرده باشد؛ همچنان که در پایان شرح خود بر ذهبیه بدان تصریح می‌کند؛ ولی به دلیل آن که اصل صدور رساله را از امام رضا(ع) مشهور بین علمای امامیه می‌داند، می‌کوشد که به گونه‌ای این اشکال را حل و توجیه کند؛ اما تا پایان رساله نتوانسته است بر تردیدهای خود غلبه کند و در بخش پایانی رساله آن را آشکار نسازد.

برای روشن شدن بیشتر این موضوع، بهتر است در این عبارت ذهبیه و شرح آن، تأمل بیش‌تری شود: «و اعلم يا أمير المؤمنين أنّ جماعهنّ و القمر في برج الحمل

أو الدلو من البروج أفضل، و خیرٌ من ذلك أن يكون في برج الثور، لكونه شرف القمر». (همانجا، ۳۲۷)

مجلسی که از یک طرف، شبیه این عبارات را در کلام معصومین (ع) با تمام اشرافی که بر روایات دارد، نمی‌بیند و از طرفی دیگر، چون با عبارات اطبا و منجمان به خوبی آشناست و این عبارات را کاملاً مشابه عبارات تالیفات آنان می‌بیند، به ناچار این گونه توجیه می‌کند که امام (ع) در اینجا به سبب برخی مصالحی که دلیل آن را هم ذکر نمی‌کند، با اصطلاحات حکما و آرای آنها در این رساله سخن گفته است: «و لعل ذکر هذه الأمور [و] إن كان منه عليه السلام لبعض المصالح موافقة لما اشتهر في ذلك الزمان عند المأمون و أصحابه من العمل بآراء الحكماء و التفوه بمصطلحاتهم. (همانجا، ۳۵۶)

سرانجام به صراحت می‌گوید که این به موارد ذکر شده، شباهت ندارد؛ بلکه اکثر آنچه در روایت رساله ذهبیه آمده، از همین قبیل است و برای توجیه آن که چرا امام با اصطلاحات اطبا سخن گفته و از ادبیات آنها در بیان مطالب بهره گرفته، به عبارت اول ذهبیه استناد می‌کند که امام (ع) می‌فرماید: «در بیان حفظ الصحة و آنچه بدان مربوط می‌شود، از گفته‌های قدما بهره می‌جویم و آن را در اینجا ذکر می‌کنم»^۱.

۴- نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد علامه مجلسی، ضمن شرح و بیان عبارات ذهبیه به نقد متن آن هم پرداخته و به گونه‌ای اعتبار آن را نشانه رفته است و تردیدهای درونی خود را در جای جای رساله به زبان آورده است. این تردیدها گاهی با نشان دادن مخالفت برخی عبارات رساله ذهبیه با روایات و اخبار جلوه کرده است و گاهی نیز با بیان مخالفت آشکار محتوای رساله ذهبیه با آرای مشهور بین اطبا، و مهم‌تر از همه، مشابهت‌های فراوان متن و

۱- «و كأن أكثر ما ورد في هذه الرواية من هذا القبيل، كما أوماً عليه السلام إليه في أول الرسالة حيث قال: من أقاويل القدماء و...».

عبارات رساله با عبارات اطبا و به کارگیری ادبیات و اصطلاحات خاص آنها، یکی از مهم ترین تردیدهای مجلسی در صحت اعتبار این رساله است که در چند جا بدان اشاره کرده و البته کوشیده به نوعی آن را توجیه کند.

کتابشناسی

- ۱- ابن ابی أصیبه، عیون الأنبياء فی طبقات الأطباء، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۲- ابن جلجل، سلیمان بن حسان اندلسی، طبقات الأطباء و الحكماء، ترجمه و تعلیقه سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ هـ.ش.
- ۳- ابن سینا، ابو علی حسین بن علی، القانون فی الطب، تحشیه: محمد امین الضناوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۴- همو، القانون فی الطب، تحقیق: ادوار القش، بیروت: مؤسسه عزالدین للطباعة و النشر، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۵- ارزانی، محمداکبر، میزان الطب، تصحیح هادی نصیری، قم، موسسه فرهنگی سما، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۶- بروکلمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، ترجمه دکتر سیدیعقوب بکر، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۶ هـ.ق/۲۰۰۵ م.
- ۷- ثابت بن قرّة، الذخیره فی علم الطب، تحقیق و دراسة: أحمد فريد المزیدي، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۸- خجندی، فخرالدین محمد بن محمد، التلویح إلى أسرار التنقیح، نسخه خطی، کتابخانه عمومی حکیم، نجف اشرف، بی تا.
- ۹- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا، المنصوری فی الطب، تحقیق و تعلیق: حازم الکبری الصدیقی، کویت: المنظمة العربیة و الثقافة و العلوم، ۱۴۰۸ هـ.ق/۱۹۸۷ م.
- ۱۰- شیرازی، میرزاهادی، عافیة البریة، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۹۷۵۰.
- ۱۱- طبری، علی بن ربیع، فردوس الحکمة فی الطب، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۱۲- قاینی، صالح بن محمد بن صالح، تحفة الصالحین (قربادین صالحی)، تهران، ۱۲۸۳ هـ.ق.
- ۱۳- کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۹ هـ.ق.

تردیده‌های آشکار و نهان علامه مجلسی درباره اعتبار رساله ذهبیه // ۱۴۳

۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار الاحیاء لثراث العربی، ۱۳۰۴ هـ.ق.

۱۵- هروی، محمد بن یوسف هروی، بحرالجمواهر، تحقیق: موسسه احیاء طب طبیعی، انتشارات جلال‌الدین، بی‌جا، ۱۳۸۷ هـ.ش.

Archive of SID